



COPYRIGHTS

© 2020 by the authors. Licensee National Studies Journal . This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

*Explaining the Foundations of Nationalism in Second Pahlavi
Period Architecture; based on the Theory of
Changing Artistic Discourse*

Ali Kakavand *

E-mail: xkakavandx@gmail.com

Jamaleddin Soheili **

E-mail: soheili@qiau.ac.ir

Hafezeh Poordehghan ***

E-mail: hpoordehghan@qiau.ac.ir

Received: 2023/03/01

Revised: 223/09/17

Accepted: 2023/10/09

Doi: 10.22034/RJNSQ.2023.387808.1482

20.1001.1.1735059.1402.24.95.7.5

Abstract:

It is crucial to examine how discourses emerge in the field of architecture and its impact on the quality of people's coexistence or common life. The present study is necessary to understand the impacts of social changes on the process of forming architecture with a new discourse. This study provides a systematic description of the architectural situation of the second Pahlavi period and the impacts of changes in the intellectual foundations of the society on it. The present study examines the changing conditions of artistic discourse in the formation of nationalism in Iran and its impact on the architecture of the second Pahlavi period. The theoretical framework of this study is based on three principles (environmental conditions, institutional contexts, and chains of action) of Robert Wuthnow in creating a new artistic discourse and applying it in the study period. In the next step, it tests three factors of production, selection, and institutionalization as factors of stabilization of a new discourse. The method of the study is based on interpretive-historical method and the written documents in the second Pahlavi period. The results show that the changes in artistic discourse and the tendency toward nationalism in the late Pahlavi II period are comparable with the Wuthnow three principles of social changes in the heart of the society.

Keywords: Contemporary Architecture of Iran, Second Pahlavi, Artistic Discourse, Nationalism.

* Ph.D. Student, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

** Associate Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran (Corresponding author).

*** Assistant Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

تبیین بنیان‌های اندیشه‌گرایی به ملیت در معماری دوران پهلوی دوم با تکیه بر نظریه تغییر گفتمان هنری^۱

نوع مقاله: پژوهشی

علی کاکاوند*

E-mail: xkakavandx@gmail.com

جمال‌الدین سهیلی**

E-mail: soheili@qiau.ac.ir

حافظه پوردهقان***

E-mail: hpoordeghan@qiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۷

چکیده

بررسی چگونگی پدید آمدن گفتمان‌ها در حوزه‌ی معماری و تأثیر آن در کیفیت زیست توده مردم بسیار حائز اهمیت است. ضرورت این پژوهش در باب فهم تأثیراتی است که تغییرات اجتماعی بر روند شکل‌گیری یک معماری با گفتمان جدید می‌تواند ایجاد کند. این تحقیق به توصیف منظم وضعیت معماری دوران پهلوی دوم و تأثیرات تغییر در بنیان‌های فکری جامعه بر آن می‌پردازد. هدف از این پژوهش بررسی شرایط تغییر گفتمان هنری در شکل‌گیری نوعی گرایش به ملیت از منظر معماری در ایران در دوران پهلوی دوم است. چهارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر سه اصل (شرایط محیطی، بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی و زنجیره‌های کنش) روایت و سنو در ایجاد گفتمان هنری جدید و تطبیق آن با دوره موردنظر پژوهش است. در گام بعدی، سه عامل تولید، گزینش و نهادینه شدن به عنوان عوامل تثبیت یک گفتمان جدید، مورد آزمون قرار می‌گیرد. شیوه تحقیق در این نگارش براساس روش تفسیری- تاریخی بوده و ابزار تحقیق اسناد و مجلات تخصصی دوران پهلوی دوم بوده است. نتایج نشان می‌دهد تغییر گفتمان هنری در دوران متأخر پهلوی دوم قابل تطبیق با سه اصل تغییرات اجتماعی و سنو در بطن جامعه است.

کلیدواژه‌ها: معماری معاصر ایران، پهلوی دوم، گفتمان هنری، ملیت.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری نگارنده‌ی اول با عنوان «تبیین بن‌مایه‌های نظری و آثار گرایش به ملیت در معماری پایان دوره پهلوی (سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۰) مبتنی بر تحولات جامعه» است که به راهنمایی نگارنده‌ی دوم و مشاوره نگارنده‌ی سوم، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین در حال اجراست.
* دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
** دانشیار گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).
*** استادیار گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

مقدمه و طرح مسئله

در جریان تحولات سیاسی و اقتصادی دوران پهلوی، گرایش‌های متفاوتی در معماری و هنر ایران و جهان ایجاد شده بود. از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به معماری مدرن با تکیه بر ابعاد بیرونی (جهانی) و گرایش به ملیت با تکیه بر وجوه درونی (ملی) اشاره کرد. در پژوهش پیش رو، منظور از ملی‌گرایی این است که معماران پهلوی دوم سعی داشتند مفاهیم مدرنیته و باستان‌گرایانه را در قالب نوعی نگاه ملی‌گرایانه و از منظر مقبولیت در بستر جامعه و برخورداری از حمایت‌های ایدئولوژیک دولتی مطرح کنند.

وارطان هوانسیان در توصیف رویدادهای زندگی اجتماعی و تحولاتی که معماری در دوران پهلوی دوم از آن تأثیر می‌پذیرد عنوان می‌کند: «تحولات اجتماعی در عصر امروز، معماران را بر آن داشته که در فرایند طرح، نظریات اندیشمندان اقتصاد، بهداشت و جامعه‌شناسی را نیز در نظر بگیرند. با رجوع به تاریخ، همواره شاهد آن هستیم که با پیشرفت جوامع، معماری نیز هم‌زمان دچار تحولاتی شده است. در دوران پهلوی، موج نوگرایی تمام شئون زندگی اجتماعی کشور را دگرگون کرده است که می‌توان بیشترین تأثیر را در محدوده‌ی ساخت‌وساز و معماری نظاره کرد» (هوانسیان، ۱۳۴۸: ۳۸). البته در این زمینه، همواره گفتمان سنت‌گرایی در مواجهه با موج نو (مدرنیته) قرار داشته که ایران آن دوره نیز از این موضوع مستثنی نبوده است. در شروع پهلوی اول، گفتمان حکومت و گرایش هنرمندان از جمله معماران به سوی ایجاد جریانی از جنس گرایش به ملیت برای تحکیم نوعی هماهنگی در بین مردم و آفریدن نقطه‌ی مشترکی مبتنی بر گزینش تاریخی بود که البته در موضوع معماری گاهی به موتیف‌هایی همچون سرستون‌های تخت جمشید، طاق و تویزه‌های دوران پس از اسلام که تنها پوسته‌ای بر ساختمان‌ها جدید بوده‌اند منتهی می‌شد؛ لذا از این پدیده به‌عنوان موج اول ملی‌گرایی یاد می‌شود. در شروع پهلوی دوم، معماران سعی در تغییر گفتمان هنری پیش از خود داشتند و دلیل این موضوع حضور و ظهور مدرنیته در معماری جهان و به‌تبع آن، ایران و معمارانی بود که در خارج از مرزهای ایران تحصیل کرده بودند و گرایش به ملیت را با تعریفی از جنس سازگاری با محیط، توجه به موضوع اقتصاد در معماری و بهداشت محیط بیان می‌کردند. ایده‌ی اصلی تحقیق شناخت و بررسی نقش تحولات اجتماعی در به‌وجود آمدن گفتمان جدید (گرایش به ملیت) و همچنین، شناخت الگو و شیوه‌های تحلیل نظریه انتقادی روبرت و سنو در باب شرایط تغییر گفتمان‌های هنری و تطبیق آن الگوها با تحولات معماری دوران پهلوی دوم است. با توجه به مطالب پیش‌گفته،

پرسش اصلی تحقیق چنین مطرح می‌شود که آیا شرایط تغییر و تحولات معماری ایران در دوره‌ی پهلوی دوم قابل تطبیق با نظریه تغییر گفتمان هنری و سنو است؟ این مقاله سعی دارد با مطالعه‌ی نشریات تخصصی معماری انتشاریافته در دوران موردپژوهش و منابع کتابخانه‌ای، سیر تحولات معماری را رصد و با جستاری در نظریه‌های چگونگی تغییر گفتمان هنری و سنو، این مناسبت‌ها را در دوران پهلوی دوم موردبررسی قرار دهد.

مرور ادبیات و چهارچوب نظری تحقیق

۱- پیشینه‌ی پژوهش

پیشینه‌ی تحقیق حاضر معطوف به دو مقوله اصلی بررسی تحولات معماری در چهارچوب تحولات اجتماعی و اندیشه‌ی ملی‌گرایی در ایران به‌ترتیب زیر است: کتاب مجموعه معماری دوران تحول در ایران از سروشیانی و همکاران در باب گرایش به ملیت می‌کوشد تا از منظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، فعالیت معماران را به‌صورت توصیفی شرح دهد (سروشیانی و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۰). کتاب‌های معماری معاصر ایران و معماری معاصر در ایران، ۱۳۰۴ تاکنون اثر بانی مسعود، در بازه‌ی معماری ایران از دوران قاجار تا سه دهه بعد از انقلاب و با محتوای معماری معاصر در مواجهه با تجدد و سنت است (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۲۱۰؛ بانی مسعود، ۱۳۹۹: ۴۱). کتاب ناسیونالیسم و مدرنیسم: بررسی انتقادی نظریه‌های متأخر ملت و ملی‌گرایی از دی اسمیت، با در نظر گرفتن حدود ملی‌گرایی در جوامع صنعتی، کشاورزی، آموزش و موضوعاتی چون سرمایه‌داری و گذشته‌ی قومی به شرح اجتماعی ملی‌گرایی پرداخته است (دی اسمیت، ۱۳۹۴: ۲۰). پژوهش مردم در سیاست ایران اثر آبراهیمیان، در محدوده‌ی تاریخی و جامعه‌شناسی ایران قرار می‌گیرد و به تأثیر نقش سیاست در تغییر شیوه‌ی زیست مردم می‌پردازد (آبراهیمیان، ۱۳۹۷: ۹). توانا در مقاله‌ی معرفی و نقد کتاب ملت‌ها و ملی‌گرایی به شرح مبحث ملی‌گرایی از منظر مقالات چاپ‌شده در این کتاب با عنوان‌هایی چون «ملی‌گرایی و مورخان»، «ملی‌گرایی و فلسفه‌ی سیاسی»، «ملت‌ها و ملی‌سازی»، «روان‌شناسی اجتماعی ملی‌گرایی و مدرنیزاسیون» و «ارتباط؛ عامل ملت‌سازی» می‌پردازد (توانا، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

سهیلی و دیبا در مقاله‌ی «تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی در ظهور جنبش‌های ملی معماری (بررسی تطبیقی معماری ایران و ترکیه در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰)»، با بررسی

معماری ملی گرا در دوره پهلوی اول در ایران و معاصر آن در ترکیه، به نقش سیاست در ظهور جنبش‌های ملی در معماری می‌پردازند (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹: ۲۷). ثبات ثانی در مقاله‌ی «مقدمه‌ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش.»، سعی دارد با رویکرد تحلیلی به برخی از عوامل مؤثر بر آثار معماری دوره‌ی معاصر و نتایج آن در سیمای آثار و گرایش کلی زمینه‌های معماری معاصر ایران بپردازد (ثبات ثانی، ۱۳۹۱: ۴۹). آزاد ارمکی و وکیلی در مقاله‌ی «مطالعه‌ی جامعه‌شناختی تعریف مفهوم هویت ملی میان اندیشمندان ایرانی»، با مطالعه بر روی آرای اندیشمندان متأخر ایران، گرایش به ملیت و هویت ملی را از منظر علوم انسانی مورد بررسی قرار داده‌اند (آزاد ارمکی و وکیلی، ۱۳۹۲: ۹). اسماعیل زاده و شاد قزوینی در مقاله‌ی «نقش گفتمان‌های متأثر از ملیت در برساخت گرایش‌های هنر نوگرای ایران عصر پهلوی (با تأکید بر نهادهای حامی هنر به‌عنوان میانجی)» بر تأثیر جریان‌های هنر نوگرا در ایران بر گرایش اجتماعی به سمت ملی‌گرایی با محوریت نقش دولت و گفتمان سیاسی تأکید دارند (اسماعیل زاده و شاد قزوینی، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

بررسی پیشینه‌ها نشان می‌دهد که این مقاله با پژوهش‌های پیشین از نظر ساختاری متفاوت است و تاکنون پژوهشی درخصوص ملی‌گرایی در معماری دوران پهلوی دوم با رویکردی از منظر نظریه‌ی جامعه‌شناختی انجام نشده است که همین امر بیانگر جنبه‌ی نوآوری این مقاله است.

۲- تبیین چهارچوب نظری تحقیق

۲-۱- شرایط زمینه‌ای پیدایش جریان ملی‌گرایی در دوران متأخر پهلوی دوم

هم‌زمان با روی کار آمدن پهلوی دوم، دو دیدگاه با رویکردهای پیشامدرن و مدرن در نگاه به مسئله ملیت وجود داشت: ۱. رویکرد پیشامدرن هر ملت را دارای یک هسته مرکزی می‌داند و معتقد است این هسته مرکزی پیش از وجود یا نام‌گذاری هر ملیتی وجود داشته است. آنچه برای طرفداران رویکرد پیشامدرن در مقوله‌ی ملیت مهم است، وجود حس مشترک درمورد نیاکان است. ۲. درمقابل، مدرن‌ها ملت و ملیت را ذاتی جوامع انسانی نمی‌دانند و آن را نتیجه‌ی مدرنیزاسیون و برساخته‌های آگاهانه‌ای همچون صنعتی شدن و مناسبات سرمایه‌دارانه می‌دانند که سبب آمادگی جماعت‌هایی می‌شود تا بر زبان، فرهنگ، سنت، تاریخ و نیاکان مشترکی تأکید کنند. در رویکرد مدرن، برخی بر عوامل اجتماعی و اقتصادی و برخی دیگر بر تأثیر انگاره‌ها و ایدئولوژی‌ها در شکل‌گیری مفهوم ملیت تکیه می‌کنند (آندرسن، ۱۳۹۳: ۱۲). پیدایش

زمینه‌های گرایش به ملیت در پهلوی دوم را می‌توان با توجه به تغییراتی چون شروع سیاست‌گذاری‌های اجتماعی (جمعیت، نسبت‌های زن و مرد، میزان سواد و به‌طور کلی، ساختارهای خانواده) در سال ۱۳۳۰ و شروع نوسازی، صنعتی شدن، ورود ایران به فرایند جهانی، به‌هم خوردن توازن بین جمعیت و منابع موجود اقتصادی - اجتماعی و نیاز به اصلاحات در بخش‌های مختلف جامعه که ابعاد گسترده آن حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی را دربرمی‌گرفت، دانست (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۷)؛ بنابراین، گرایش به ملیت در معماری دوران پهلوی دوم را می‌توان در محدوده‌ی تغییرات حاصل از حضور مدرنیته در ایران در نظر گرفت.

اکنون با توجه به موارد ذکر شده (شرایط تغییر در گفتمان هنری مطرح شده از منظر وسنو و شرایط جاری در زمینه‌ی ملی‌گرایی دوران مورد بحث)، در ادامه، تحولات معماری معاصر ایران در مواجهه با گفتمان جدید هنری در تطبیق با دوره‌ی متأخر پهلوی دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲- تحولات معماری معاصر ایران در مواجهه با گفتمان جدید هنری

برای بحث در مورد چگونگی انتخاب‌های فرد برای زیستن در یک مجموعه، باید مؤلفه‌های گوناگونی از جمله مبحث هویت، زندگی روزمره، عادات فرهنگی، انسان در دوران معاصر و تأثیر گذر زمان بر دیدگاه فرد در محیط زندگی را در نظر گرفت. فرد در فضای زندگی مبتنی بر تحولات اجتماعی، تابع نیروهایی است که به این فضا ساخت می‌دهد؛ البته در برابر بعضی از نیروها نیز مقاومت می‌کند (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۱۰). معماری مدرن شکل گرفته در ایران موسوم به «شبه‌مدرنیسم ایرانی»، نتیجه انعکاس سیستم تحولات معماران مدرن اروپایی بر معماران نسل اول ایران بود. معماران نسل اول همگی تحصیل کرده‌ی اروپا بودند و با جریان‌های معماری آن دوره از نزدیک آشنا شدند و سعی بلیغی در پیاده کردن اهداف معماری مدرن در ایران دوره رضا شاهی داشتند که همچنان تا پایان دوران پهلوی دوم این معماران و شاگردانشان تبیین‌کنندگان اصلی گفتمان جدید در معماری ایران بودند. همچنین، هدف اصلی معماران و نظریه‌پردازان این دوران، ظهور معماری ایرانی جدید بود (شایان و معمار دزفولی، ۱۳۹۳: ۱۲).

در دوران پهلوی اول، برای اولین بار، معماران موضوع ملی‌گرایی را به‌صورت نمادین در قالب پوسته‌ی معماری با مشخصه‌های باستانی مطرح نمودند.

در اواسط و اواخر پهلوی دوم، مبحث ملی‌گرایی شکل جدیدی از گفتمان معماری را به خود گرفت. اساساً آن‌ها سعی داشتند در چهارچوب مدرنیته و به دنبال مفاهیم

دارای تطابق با مدرنیسم از دوران گذشته در عصر حاضر استفاده کنند. از جمله‌ی این افراد می‌توان به اعضای «انجمن آرشیوتکتهای دیپلمه» که شامل افرادی چون انور ظهیر، نادر خلیلی، وارطان هوانسیان و ایرج مشیری هستند، اشاره کرد. بیشتر چهارچوب فکری این افراد در قالب انتقاد به وضعیت موجود در حوزه‌ی معماری است و سعی دارند با وجود علمی که به صورت تخصصی در حوزه‌ی معماری و شهرسازی به دست آورده‌اند، راهکارهایی ارائه دهند. در تفکر آن‌ها هرگونه تقلید کورکورانه، سطحی و ظاهری از معماری سنتی و مدرن غربی مورد پذیرش نیست.

برای توصیف نوع دریافت گفتمان جدید، باید دو نوع مخاطب و درک آن‌ها از شرایط پیش آمده را مورد بررسی قرار داد که عبارت‌اند از: الف) معماران و نظریه‌پردازان معماری؛ ب) تولیدکنندگان شخصی‌ساز.

الف- معماران و نظریه‌پردازان (هوانسیان، ظهیر، مشیری، خلیلی)^(۱)

در میان معماران و نظریه‌پردازان دوران پهلوی دوم، آرای چهار معمار مورد بررسی قرار می‌گیرد که به محدوده‌ی موضوع مورد بحث در این نوشتار پرداخته‌اند.

وارطان هوانسیان کاربرد باستان‌گرایی به شکلی که در پهلوی اول به آن پرداخته شد را تجربه‌ای شکست‌خورده می‌داند. او منطق معماری دوران پهلوی دوم را از منظر گرایش به ملیت در تطبیق داشتن با شرایط اقلیمی، زیستی و روحیه‌ی امروزی مردم ایران در نظر می‌گیرد و براساس آن بیان می‌کند که: «به‌طور کلی، امروزه معماران با دو طرز تفکر روبه‌رو هستند؛ تقلید از گذشته یا نگاه به آینده. تفکر اولیه متأثر از ملی‌گرایی در اوایل دوره پهلوی با نگاه به شیوه‌ی قدیم مانند ساختمان‌های بانک ملی، شهربانی، پست و تلگراف بود که البته نتیجه خوبی از این تجربه به دست نیامد و ثابت شد که نه تنها باید از تقلید اسلوب‌های قدیم چشم پوشید، بلکه باید فکر مدرن کردن آن‌ها را نیز از سر بیرون کرد؛ اما رویکرد دوم با در نظر گرفتن واقعیت زمان و تحولات عمیق و همه‌جانبه در تمام شئون زندگی مردم، تقلید از فرم قدیمی و در نظر نگرفتن روح زمان به حساب می‌آید. مدرنیسم و نوظللی در همه‌جا یکنواخت نیست و باید شرایط اجتماعی، اقلیمی و فرهنگی که نماینده سنت‌ها و آداب و رسوم مردم آن سرزمین است را در نظر گرفت» (هوانسیان، ۱۳۴۸: ۳۸). همچنین، انور ظهیر در باب معماری سبک ملی یا تقلید ظاهری این‌گونه بیان می‌کند که: «اخیراً هر جا صحبت از معماری است بحث ملیت نیز به میان کشیده می‌شود که از منظر عوام، مترادف با پنجره‌های قوسی‌شکل با شیشه‌های رنگی است. البته این موضوع بیشتر در مورد مردم عامی صدق می‌کند که از

اصول و حقایق معماری ملی و سنتی کاملاً ناآگاه بوده و از معماری گذشته فقط به فرم ظاهری آن یعنی قوس و کاشی‌کاری توجه می‌کنند». تقلید کورکورانه از معماری گذشته و صرفاً تقلید از فرم در تقابل با معماری مدرن قرار می‌گیرد و سعی دارد معماری مدرن را از راه صحیح خود منحرف کند. این تقلید ظاهری و بدون در نظر گرفتن عواملی که معماری گذشته بدان وابستگی دارد مانند زمین، آب‌وهوا، مصالح و محیط اجتماعی، باعث شده که سبک‌های سنتی که در موارد بخصوص، نتایج بسیار سودمند و منطقی داشته‌اند، در جای دیگر که از این نوع معماری بدون فکر و صرفاً به واسطه تقلید به‌عمل آمده، نتایج اسفناکی به بار بیاورد (ظهیر، ۱۳۴۹: ۲۰)؛ اما ایرج مشیری در باب نقد غرب‌گرایی و بی‌توجهی به مقتضیات اقلیمی و رسوم اجتماعی بیان می‌کند: «قدم‌های متزلزلی که برای ساخت مسکن در اوایل پهلوی دوم برداشته شده نه‌تنها بهبودی در اوضاع ایجاد نکرده، بلکه مشکلات دیگری نیز برای جامعه‌ی ما تولید نموده است. به‌طور کلی، خانه‌های جدید معایب و نقایص خانه‌های قدیم را مرتفع ننموده و بلکه دردهایی نیز به دردهای سابق افزوده است. اصولاً خانه‌های فعلی ما تا حد زیادی فاقد راحتی، بهداشت، زیبایی و استحکام است و با کمال تأسف، باید اذعان کرد که خانه‌های قدیم آبا و اجدادی از خیلی جهات به منازل جدید امروزی برتری دارند». تقلید ناقص و ناموزون از اسلوب بناهای اروپایی باعث وضع موجود و خطرناکی گردیده که مایه‌ی تأسف آیندگان خواهد بود. مقتضیات آب‌و‌خاک و هوا، سبک ملی، آداب و رسوم اجتماعی ما هرگز با ساختمان‌نوساز فعلی سازگار نبوده و تطبیق ندارد (مشیری، ۱۳۲۶: ۱۱۸). نادر خلیلی در باب محیط‌زیست و معماری پایدار می‌گوید: «اکنون می‌دانیم که معماری ایرانی تنها محدود به تکرار گذشته نیست. امروز معماری باید جوابگوی موقعیت اقلیمی این کشور و سبک زندگی مردم آن باشد». به باور خلیلی، «زندگی ایرانی نوعی رابطه با طبیعت است؛ یک نوع احساساتی است که در مقابل فضاها معینی به وجود می‌آید؛ ارزشی است برای حریم و حفاظ، آداب و رسومی که در زندگی خانوادگی اصیل ایرانی وجود دارد؛ بنابراین، این رابطه‌ی نزدیک بین فرهنگ، طرز زندگی و معماری است که ما را وادار می‌کند که برای روش‌ها و مسائل معماری ایرانی راه‌حل‌های ایرانی پیدا کنیم. همان اندازه که تقلید از معماری غربی کار درستی نیست، کپی از معماری باستانی نیز غلط است» (خلیلی و خلیلی، ۱۳۵۱: ۴۱). نادر خلیلی ملی‌گرایی در گفتمان جدید را توجه به اهمیت محیط‌زیست و معماری پایدار با

رویکرد مصرف انرژی، سروصدا، آلودگی بصری و درنهایت، توجه به صنعت ساختمان می‌داند که ایجاد مقررات ساختمانی مدون برای نظارت بر کیفیت بناها الزامی است. در نهایت، گفتمان جدید از منظر معماران در نمودار ۱ به صورت شماتیک بیان شده است.



نمودار ۱. مؤلفه‌های گفتمان جدید از منظر معماران (منبع: نگارندگان)

ب- تولیدکنندگان شخصی‌ساز

بورديو اعتقاد دارد ذوق و سلیقه‌ی افراد شدیداً به موقعیت فرد در فضای اجتماعی که در آن قرار دارد بستگی دارد که به موجب آن، انتخاب‌های زیبایی‌شناختی نه فقط ذهنی نیستند، بلکه تابعی از وابستگی اجتماعی‌اند» (هینیک، ۱۳۸۴: ۷۷)؛ بنابراین، تأثیرگذاری و پذیرش گفتمان جدید هنری در محدوده‌ی مخاطبان معماری و سازندگان در دوره‌ی پهلوی دوم را می‌توان پیرو عواملی همچون تبعیت تولیدکنندگان شخصی‌ساز از کارگزاران حکومتی و براساس این موضوع دانست که بیشتر تحت تأثیر الگوهای در نظر گرفته‌شده و تقدم ساخت در بناهای دولتی که رویکرد جدیدی از گفتمان هنری را مطرح می‌کرد، قرار می‌گرفتند. از دیگر دلایل استقبال تولیدکنندگان از رویکرد گفتمان جدید به معماری می‌توان به موضوع تأثیرپذیری از فضای فرهنگی ایجادشده با ابزارهایی چون رسانه‌های جمعی و تبلیغات همچون تلویزیون، مجلات، کتاب، روزنامه و رادیو که کار اصلی آنها القای گفتمان جدید موردنظر از ایدئولوژی حکومتی و جریان‌های فکری به وجودآمده در دوران پهلوی دوم بود، اشاره کرد.

در نتیجه‌ی مباحث مربوط به «تحولات معماری معاصر ایران در مواجهه با گفتمان جدید هنری در دوران متأخر پهلوی دوم»، عوامل معماری در زمینه‌ی فهم سنت و مدرنیته دچار دگرگونی‌های آشکاری شد. با به وجود آمدن شرایطی از جمله تبلیغات،

ایدئولوژی و مسائل فرهنگی، میل سازندگان و تولیدکنندگان معماری که اساساً فاقد علم آکادمیک معماری بودند به سمت تعاریف مدرن معماری بیشتر شد. از آنجاکه نمی‌توان پذیرش نگاه جدید به معماری را به تمامی عوامل حوزه تولید نسبت داد، نمودار ۲ در توصیف مؤلفه‌های گفتمان جدید و شرایط پذیرش آن، نهایتاً فصل مشترک دو دسته اصلی تأثیرگذار بر امر گفتمان پدیدآمده را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. محدوده‌ی مورد پذیرش گفتمان جدید از منظر تولیدکنندگان شخصی ساز و نظریه پردازان معماری (منبع: نگارندگان)

۲-۳- تغییر گفتمان هنری از منظر روبرت و سنو

به اعتقاد و سنو، برای ایجاد گفتمان هنری جدید در بستر یک جامعه سه اصل را باید در نظر گرفت. این تغییرات از جنس بنیادین بوده و به صورت مستقیم با تولیدات هنری در ارتباط است که عبارت‌اند از: تغییر در شرایط محیطی، تغییر در بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی و تغییر در زنجیره‌های کنش که در ادامه شرح داده می‌شود. «شرایط محیطی» به شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی عام دوره‌ی

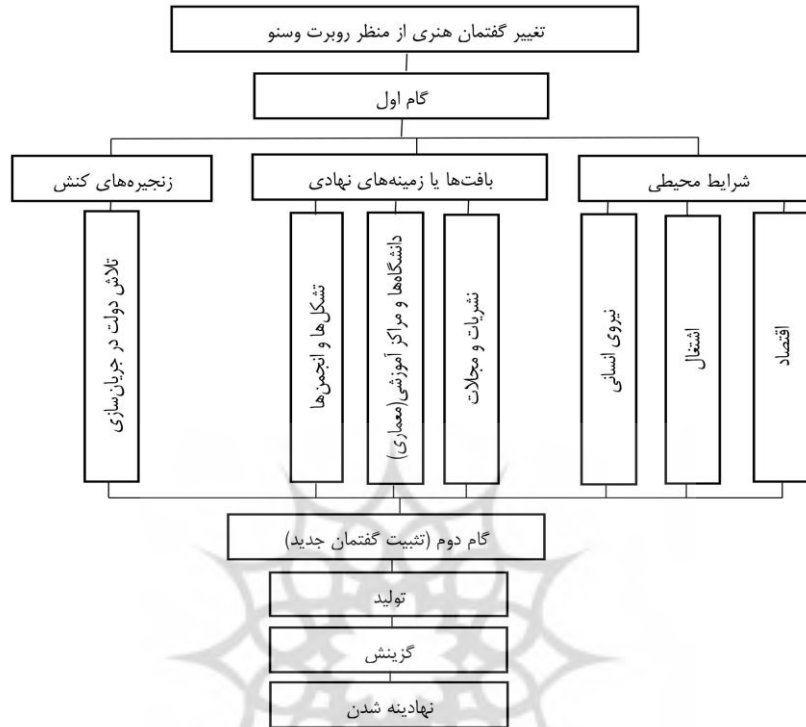
مورد بحث اشاره دارد و به مسائلی چون افزایش یا کاهش جمعیت در یک دوره معین، رونق یا رکود اقتصادی و تغییراتی در محدوده‌ی حاکمیت و به تبع آن، ایدئولوژی مشمول برمی‌گردد.

«بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی» بی‌واسطه‌ترین موقعیت‌ها و محیط‌های تولید ایدئولوژی هستند که منابع در درون آن‌ها، ساخت و قالب می‌یابند. بافت‌های نهادی، وضعیت‌ها و موقعیت‌های سازمانی هستند که ایدئولوژی‌ها عملاً در درون آن‌ها تولید و توزیع می‌شوند و دارای منابع اقتصادی، پرسنل و مشروعیت لازم برای تولید ایدئولوژی هستند. مدارس و دانشگاه‌ها، انجمن‌ها، آکادمی‌های علمی، روزنامه‌ها و کارگزاران حکومتی از جمله بافت‌های نهادی مورد نظر هستند.

«زنجیره‌های کنش» در درون بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی روی می‌دهند. مفهوم زنجیره‌های کنش به رفتار تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فرهنگ و تصمیم‌های حامیان یک جنبش فرهنگی، مأموران سانسور، رهبران سیاسی و دیگرانی اشاره می‌کند که بر رفتار تولیدکنندگان فرهنگ و مخاطبان‌شان تأثیر دارند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۷).

در گام بعدی به اعتقاد وسنو در کتاب *جامعه‌شناسی فرهنگ*، تثبیت گفتمان جدید نیازمند طی کردن سه مرحله است: تولید، گزینش، نهادینه شدن.

در مرحله تولید، اندیشه‌ها صورت‌بندی و پردازش می‌شوند، موعظه‌ها ایراد می‌شوند، گفتمان‌ها به وجود می‌آیند، کتاب‌ها و جزوه‌ها نوشته می‌شوند و روزنامه‌ها تولید می‌شوند. در مرحله دوم، هنگامی که میزان بالایی از محصولات و تولیدات فرهنگی آفریده شدند، فرایند گزینش آغاز می‌شود؛ اشکال جدید اندیشه، جایگزین اشکال قدیمی‌تر می‌شود و برخی از منابع به سمت انواع خاصی از ایدئولوژی جاری می‌شوند. در مرحله پایانی، سازوکارهای معمول برای تولید و اشاعه اشکال خاصی از گفتمان به وجود می‌آیند؛ صورت‌ها و فرم‌هایی که یک ایدئولوژی در قالب آن‌ها ابراز و بیان می‌شود، متداول‌تر می‌شوند و نشریات و فعالیت‌های انتشاراتی به حرکت درمی‌آیند و در نتیجه، یک ایدئولوژی به مؤلفه‌ای نسبتاً ثابت از ساختار نهادی جامعه مورد نظر تبدیل می‌شود (نمودار ۳) (مهرآئین، ۱۳۸۶: ۷۲).



نمودار ۳: روند شکل‌گیری تغییر و تثبیت گفتمان هنری از منظر نظریه‌ی تغییر گفتمان روبرت و سنو (منبع: نگارندگان)

بحث و یافته‌ها

۱- تغییر در گفتمان معماری به تبع تغییر در «شرایط محیطی» دوره پهلوی دوم

با شروع حکومت پهلوی دوم شاهد تغییراتی زیرساختی در زمینه‌هایی چون ارتباطات (فرودگاه، بندر، احداث راه‌های جدید، مخابرات)، اقتصاد (کارخانه‌ها، تولید، صادرات، سرمایه‌گذاری در صنایع، افزایش فروش نفت) و آموزش (تغییر ساختار در آموزش و پرورش) هستیم. این تغییرات سبب به وجود آمدن تحول در شیوه‌ی زندگی توده‌های اجتماعی مانند افزایش تعداد حقوق‌بگیران، کاهش قشر متوسط سنتی، افزایش اجتماعات جدید، افزایش جمعیت، افزایش شهرنشینی، میزان تحصیلات، اشتغال در زمینه‌ی صنعت و خدمات و کاهش در بخش روستانشین و غالباً کشاورز شد (سرایی و بحرانی، ۱۳۸۶: ۵). باتوجه به تعریف و سنو، می‌توان شرایط محیطی در دوره‌ی پهلوی دوم

را در حوزه‌های اقتصاد، اشتغال، نیروی انسانی و جمعیتی مورد تطبیق قرار دارد. نهایتاً این تحولات موارد زیر را در زمینه‌ی پیدایش گفتمان جدید در معماری به ارمغان آورد:

- اقشاری که از روستاها به شهرها مهاجرت کردند، ناگزیر درصدی از هویت سنتی خود را از دست داده و شیوه‌ی نوین زیستن در شهرها را پذیرفتند.
- به وجود آمدن طبقاتی با قدرت اقتصادی بالاتر و ارتباط با جوامع غربی، شکل متفاوتی از معماری را که از بافت سنتی فاصله می‌گرفت منجر شد.
- با افزایش مشاغل اداری جدید، طبقه‌ای به نام حقوق‌بگیران بخش عمومی به وجود آمد که برای تهیه‌ی مسکن از پیشنهادات دولت در قالب خانه‌های سازمانی استقبال می‌کردند.

نتیجه این تحولات، جامعه را یا در راستای پذیرش شکل نوین زندگی قرار می‌داد و یا به دلیل موقعیتی که افراد در آن قرار می‌گرفتند، ناگزیر به پذیرش این نوع زندگی می‌شدند. به‌طور کلی، برخی توده‌ها در مواجهه با تغییرات به وجودآمده‌ی آن دوران در نوع زندگی، بسیار مستعد برای تغییر شکل و فرم، هم در اندیشه و هم در سبک زندگی بودند و این شکل را عواملی چون اندیشمندان، حاکمان، نخبگان از طریق بازارها، گالری‌ها، تبلیغات، چه مثبت و چه منفی، شکل می‌دادند.

۲- تغییر در گفتمان معماری به تبع تغییر در «بافت و زمینه‌های نهادی» در دوره پهلوی دوم

با حصول تغییرات ایجادشده در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن دوره، مجموعه‌ای از تحولات در زمینه‌ی معماری رخ داد. این تحولات شامل پدیدارشدن نهادهای تخصصی معماری همچون تشکل‌ها، دانشگاه‌ها، نشریات، معماران و کنشگرانی شکل گرفت که شکل جدید گفتمان را نظام‌مند و مدون نمودند که از در ادامه خواهند آمد.

تشکل‌ها و انجمن‌ها: در دهم بهمن‌ماه ۱۳۲۳، اولین انجمن با رویکرد معماری در ایران به نام «انجمن آرشیوتکت‌های ایرانی دیپلمه» شروع به کار کرد که اساسنامه آن در تاریخ ۱۳۲۳/۱۱/۱۷ در مجمع عمومی به تصویب رسید (اخبار انجمن، ۱۳۲۵: ۳۹).

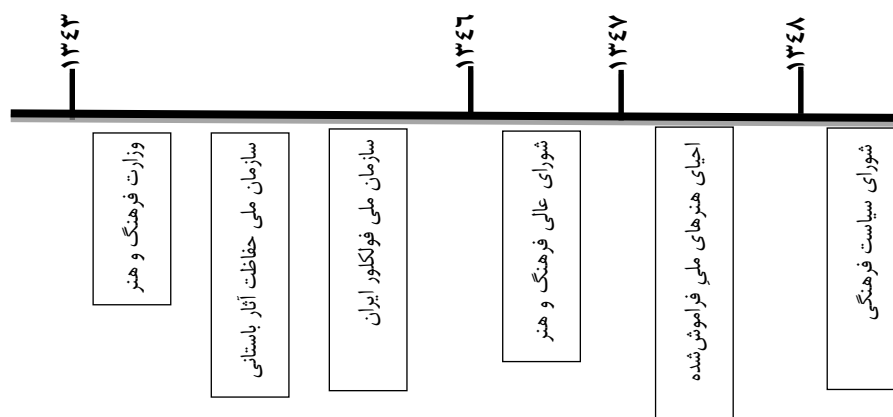
دانشگاه‌ها و مراکز آموزش معماری: آموزش معماری در شکل نوین خود با تأسیس دانشکده هنرهای زیبا و پذیرش دانشجو در سال ۱۳۱۷ ه.ش آغاز می‌شود. در کنار این دانشکده، دانشگاه شهید بهشتی نیز در دهه‌های بعد به تربیت معماران اقدام کرد. این دو دانشکده، معمارانی تربیت کردند که بخش عمده‌ای از جریان‌های تأثیرگذار در معماری ایران را تشکیل دادند (پیربابایی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۴: ۷۹).

نشریات و مجلات: «مجله آرشیوتکت»، اولین مجله معماری ایران بود که توسط ایرج مشیری و با همکاری مهندس فروغی تأسیس شد و طی سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ ه.ش

شش شماره منتشر کرد» (جانی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۳۰) و در ستون‌هایی، به انتقاد و یا تأیید بعضی از بناهای معاصر آن دوران و بیان معماری روز دنیا پرداخت. مجله هنر و معماری از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۸ ه.ش به سردبیری عبدالحمید اشراق به انتشار درآمد. گفتمانی که در بافت‌ها و زمینه‌های نهادی ایجاد شده، غالباً در جهت گسترش مفهوم ملی‌گرایی با رویکردی که موردنظر حکومت است و البته استقبال جامعه‌ی معماری از این رویکرد با تخصیص منابع، مشروعیت پیدا کرد.

۳- تغییر در گفتمان معماری به تبع تغییر در «زنجیره‌های کنش» دوره پهلوی دوم

رشد جمعیت در دهه چهل و افزایش نسل جوان، افزایش شهرنشینی، هم‌زمان با رشد طبقه متوسط در ایران، نیازمند توجه بیشتر به وضعیت فرهنگی کشور بود. در جریان برنامه سوم عمرانی، یعنی سال ۱۳۴۳ «وزارت فرهنگ»، که تمامی برنامه‌های آموزش، هنر و ورزش زیر نظر آن انجام می‌شد، به دو وزارتخانه با نام‌های «وزارت فرهنگ و هنر» و «وزارت آموزش و پرورش» تقسیم شد. پیش از آن، برنامه‌های هنر در چهارچوب برنامه‌های آموزشی قرار می‌گرفت که توسط سازمان هنرهای زیبای کشور و زیر نظر وزارت فرهنگ اجرا می‌شد. پس از تأسیس وزارت فرهنگ و هنر، سازمان‌هایی نظیر سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، سازمان ملی فولکلور ایران، هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور و شورای عالی فرهنگ و هنر برای اجرای برنامه‌های فرهنگ و هنر تأسیس شدند. به گفته چنگیز پهلوان، با تصویب ایجاد شورای عالی فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۶ مسئله سیاست‌های فرهنگی مطرح شد و در برنامه چهارم عمرانی کشور که در سال ۱۳۴۷ آغاز شد، نقش فرهنگ در تحکیم مبانی وحدت ملی موردتوجه قرار گرفت. در برنامه فرهنگ و هنر برنامه چهارم عمرانی، مسائلی نظیر بررسی و احیای هنرهای ملی فراموش شده یا هنرهایی که به تدریج روبه‌زوال می‌روند، در نظر گرفته شد و شورای سیاست فرهنگی ایران در سال ۱۳۴۸ تهیه شد که دارای هفت فصل بود از جمله: نگهداری و زنده کردن میراث فرهنگی، ایجاد تسهیلات برای ابداع هنری و پرورش فکری، آموزش و گسترش فرهنگ ایرانی در رابطه با فرهنگ‌های دیگر (نمودار ۴) (پهلوان، ۱۳۵۳: ۵۴).



نمودار ۴. خط زمانی مجموعه‌ی کنش‌های ایدئولوژیک در جهت تأثیر بر بسط و گسترش گفتمان جدید (منبع: نگارندگان)

در بخش زنجیره‌های کنش، همان‌طور که در قسمت تعاریف نظریه‌ی تغییر گفتمان و سنو مطرح شد، در محدوده‌ی این پژوهش دولت برای جریان‌سازی ایدئولوژی موردنظر خود با ایجاد کردن ارگان‌هایی در راستای گفتمان جدید، سیاست‌های کلی هنری (معماری) را تبیین و نظام‌مند نمود.

۴- تثبیت گفتمان معماری تغییر یافته با «تولید، گزینش، نهادینه شدن» در دوره پهلوی دوم
 مرحله‌ی تولید: رونق اقتصادی منجر به افزایش منابع حمایتی می‌شود که به تبع آن، کتاب‌ها، سخنرانی‌ها، تنوع در نیروهای سیاسی و عواملی که در حمایت از گفتمان جدید قدم برمی‌دارند تشکیل می‌شود. در موضوع این پژوهش می‌توان به اولین کنفرانس بین‌المللی معماری در ایران (نخستین سمپوزیوم معماری و شهرسازی دی‌ماه ۱۳۵۰)، انتشار کتاب‌هایی با محتوای سنت و مدرنیسم (فضا، زمان و معماری؛ رشد یک سنت جدید) اثر زیگفريد گیدئین و ترجمه‌ی منوچهر مزینی در (۱۳۵۴)، مجلات و نشریات تخصصی مانند مجله‌ی آرشیوتیک در (۱۳۲۵؛ مجله‌ی هنر و معماری در (۱۳۴۷) و آموزش (تأسیس هنر‌سرای عالی در ۱۳۴۴ و تأسیس دانشگاه ملی در ۱۳۳۹) اشاره کرد.
گزینش یا انتخاب: به دلیل حمایت‌های به‌وجودآمده در مرحله‌ی تولید از گفتمان جدید، تنوع در شاخه‌های ایجادشده با مرکزیت ایدئولوژی جدید پدید می‌آید که به تدریج، گفتمان‌های قدیمی‌تر را به حاشیه برده و یا تضعیف می‌کند. پس اساساً انتخاب در این مرحله برای مخاطبان موضوع گفتمان به‌سوی ایدئولوژی‌هایی می‌رود که

ازلحاظ اقتصادی و توجه حکومت، موقعیت بهتری به دست آورده‌اند. در موضوع این پژوهش می‌توان به جایگزین شدن تفکر نوین به‌جای اندیشه‌های قدیم (کوی‌های مسکونی، بهداشت، توجه به اقلیم، مصالح) و تخصیص منابع به سمت ایدئولوژی حکومتی (احداث بناهای دولتی با رویکرد جدید) اشاره کرد.

مرحله‌ی نهادینه شدن: به‌صورت عینی، تغییر در تفکر نویسندگان، حامیان آثار هنری، بحث‌های شکل‌گرفته در اجتماعات علمی و درنهایت، آموزش در کلاس‌های درسی را می‌توان دید. زمانی که گفتمان جدید به این مرحله رسیده باشد، اساساً ادامه‌دار خواهد بود و دارای ثبات می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی آرای نظریه‌پردازانی چون هوانسیان، ظهیر، مشیری و خلیلی در اواسط دوران پهلوی دوم، نگرشی انتقادی نسبت به مفهوم ملی‌گرایی در معماری به وجود آمد که با گذر زمان، این روند شروعی بر تغییر گفتمان هنری زمان خود شد. گفتمان جدید‌گرایی به ملیت در معماری متأثر از مدرنیته را این‌گونه تعریف می‌کند که توجه به فرهنگ و سنت‌های ایرانی و همچنین، حس تجددخواهی به‌وجودآمده در جامعه ایرانی مواردی چون توجه به رسوم اجتماعی، فرهنگ، اقلیم، مصرف انرژی، مصالح، توجه به زمین، آب‌وهوا و همچنین، برآورده کردن نیازهای انسان مدرن‌شده را موردتوجه قرار داد. گفتمان جدید ایجادشده مستلزم طی کردن مسیری است که در این پژوهش، از منظر روبرت وسنو (نظریه‌ی تغییر گفتمان) موردبررسی قرار گرفت. وسنو آغاز تغییرات را در محدوده‌ی مؤلفه‌ی «شرایط محیطی» می‌دید که با متغیرهایی چون جمعیت، اشتغال، شرایط اقتصادی دوران پهلوی دوم قابل تطبیق است. از منظر وسنو در پیشبرد تغییرات ایجادشده در گفتمان هنری، «بافت‌ها و زمینه‌های نهادی» هستند که سیر تغییرات را هدایت می‌کنند. این مؤلفه در دوران موردپژوهش با پیدایش دانشگاه‌ها، انجمن‌های علمی، نگارش مجلات تخصصی معماری و هنری و برگزاری کنفرانس‌های تخصصی در زمینه‌ی تغییرات جدید ایجادشده ادامه پیدا می‌کند. آخرین مبحثی که وسنو در زمینه‌ی ایجاد گفتمان هنری مطرح می‌کند «زنجیره‌های کنش» است که غالباً در پهلوی دوم نقش تکمیلی و حمایتی به خود می‌گیرد مانند ایجاد وزارت فرهنگ و ارشاد، شورای عالی فرهنگ و هنر و شورای سیاست فرهنگی. درنهایت، برای تثبیت گفتمان جدید پرداختن به سه‌گزینه‌ی تولید، گزینش و نهادینه کردن، آفرینش گفتمان نو را در پی خواهد داشت.

یادداشت

۱- وارطان هوانسیان (۱۳۶۱-۱۲۷۴) از معماران برجسته‌ی دوران پهلوی و منتقد معماری و از مؤسسان مجله‌ی آرشیوتیک «اولین مجله‌ی تخصصی معماری در ایران» است. انور ظهیر، فارق التحصیل رشته معماری از دانشگاه بوذار فرانسه (۱۹۶۵-۱۹۶۱)، منتقد معماری آتلیه‌ی Pierre Vivien است. ایرج مشیری، سردبیر و مؤسس مجله آرشیوتیک (۱۳۲۷-۱۳۲۵) و نظریه‌پردازی معماری است. نادر خلیلی (۱۳۸۶-۱۳۱۴)، معمار ایرانی مقیم امریکا، پژوهشگر معماری سنتی (خانه‌های سفالی) است.

منابع

- آبراهیمیان، یرواند (۱۳۹۷). مردم در سیاست ایران. ترجمه بهرنگ رجبی. تهران: نشر چشمه.
- آزاد ارمکی، تقی؛ وکیلی، عارف (۱۳۹۲). «مطالعه‌ی جامعه‌شناختی تعریف مفهوم هویت ملی میان اندیشمندان ایرانی»، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی. دوره‌ی دوم. شماره‌ی اول. تابستان ۹۲: ۳۵-۹.
- آندرسن، بندیکت (۱۳۹۳). جماعت‌های تصویری. ترجمه محمد محمدی. تهران: رخداد نو.
- احمدی، اصغر؛ آقاگل‌زاده، فردوس؛ خلیلی، محمدعلی؛ قبادی، حسینعلی؛ جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۳). «تأثیر تعاملات ادبی و بسیج منابع در شکل‌گیری گفتمان ادبیات داستانی سیاسی در دهه‌های چهل و پنجاه ششمی»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. سال سوم. شماره‌ی دهم. بهار ۹۳: ۸۴-۵۳.
- اخبار انجمن (۱۳۲۵). مجله‌ی آرشیوتیک، شماره ۱، مرداد و شهریور ماه ۱۳۲۵: ۳۹.
- اسماعیل‌زاده، خیزران؛ شاد قزوینی، پرینا (۱۳۹۶). «نقش گفتمان‌های متأثر از «ملیت» در بساخت گرایش‌های هنر نوگرای ایران عصر پهلوی (با تأکید بر نهادهای حامی هنر به‌عنوان میانجی)»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. دوره ۹. شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۶: ۱۳۲-۱۰۹.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: انتشارات هنر معماری قرن.
- ----- (۱۳۹۹). معماری معاصر در ایران ۱۳۰۴ تاکنون. مشهد: انتشارات کتابکده کسری.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۵۳). «برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران»، فرهنگ و زندگی، شماره پانزدهم: ۷۲-۵۳.
- پیربابایی، محمدتقی؛ سلطان‌زاده، محمد (۱۳۹۴). «مقدمه‌ای بر صورت‌بندی میدان معماری معاصر ایران براساس نظریه میدان»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی. دوره ۲۰. شماره ۱. بهار ۱۳۹۴: ۸۴-۷۳.
- توانا، محمدعلی (۱۳۸۹). «معرفی و نقد کتاب ملت‌ها و ملی‌گرایی»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال یازدهم، شماره ۲: ۱۹۷-۱۸۳.
- ثبات ثانی، ناصر (۱۳۹۲). «مقدمه‌ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ش». معماری و شهرسازی آرمان‌شهر: ۶۰-۴۹.

- جانی‌پور، بهروز (۱۳۷۹). سیر تحول معماری مسکن تهران در دوران پهلوی، رساله دکتری، رشته معماری، دانشگاه تهران.
- حیدری، سیامک؛ زنجانی، حبیب‌الله؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۴). «جهانی شدن، نوسازی و سیاست‌های جمعیتی در ایران (قبل از انقلاب، از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵)»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۴. پاییز ۱۳۹۴: ۸۵-۱۲۷.
- خلیلی، نادر؛ خلیلی، مویراموز (۱۳۵۱). «بحث روز... معماری ایرانی یا فرنگی»، مجله‌ی هنر و معماری. شماره ۱۴. تیر و شهریور ۱۳۵۱: ۴۷-۴۱.
- دی اسمیت، آنتونی (۱۳۹۴). ناسیونالیسم و مدرنیسم: بررسی انتقادی نظریه‌های متأخر ملت و ملی‌گرایی. ترجمه‌ی کاظم فیروزمند. تهران: نشر ثالث.
- سرایی، حسن؛ بحرانی، محمدحسین (۱۳۸۶). «کاربرد نتایج سرشماری‌های عمومی در بررسی ساختار و تحولات قشریندی اجتماعی ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. شماره ۳: ۲۹-۵.
- سروشانی، سهراب؛ دنیل، ویکتور؛ شافعی، بیژن (۱۳۸۴). مجموعه معماری دوران تحول در ایران. تهران: انتشارات دید.
- سهیلی، جمال‌الدین؛ دیبا، داراب (۱۳۸۹). «تأثیر نظام‌های حکومتی در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه معماری ایران و ترکیه». باغ نظر: ۲۷-۴۴.
- شایان، حمیدرضا؛ معمار دزفولی، سجاد (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی رویکردهای معماری معاصر ایران (بازشناسی نظریه در آثار سه نسل از معماران)». نقش جهان. سال چهارم. شماره ۲: ۱۶-۷.
- ظهیر، انور (۱۳۴۹). «گذشته‌گرایی در معماری». هنر و معماری. شماره ۸. سال دوم. دی و اسفند ۱۳۴۹: ۲۰-۱۷.
- مشیری، ایرج (۱۳۲۶). «خانه و مسکن مهم‌ترین مسائل اجتماعی است؛ مشکلات کنونی و نظریاتی چند برای بهبود آن». آرشیوتکت. شماره ۴. تیرماه ۱۳۲۶: ۱۱۸-۱۱۷.
- مهرآئین، مصطفی (۱۳۸۶). شرایط تولید فرهنگ: ریشه‌های ظهور مدرنیسم اسلامی در هند، مصر و ایران. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
- هوانسیان، وارطان (۱۳۴۸). «معماری ایران در دو راهه سبک ملی و جدید»، هنر و معماری. شماره ۱. فروردین، اردیبهشت و خرداد ۱۳۴۸: ۳۸-۳۲.
- هینیک، ناتالی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی هنر. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: آگه.
- Bourdiru, P (1984). *Distinction: a social critique of the judgment of taste*. translated by Richard Nice. New York: Routledge.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی